

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

کابوس جمهوری اسلامی تازه شروع شده است

مصاحبه رادیو انترناسیونال با حمید تقوایی



با همه جناحها و عوام و انصارش در نزد مردم منفور است. مردم این رژیم را نمی خواهند و این انتخابات یک نه بزرگ به کل این سیستم بود. سوت و کور بودن حوزه های انتخاباتی تا حدی که خود رسانه ها و خود مقامات رژیم مجبور شدند به آن اذعان کنند، بخوبی نشان داد که مردم واقعا وبه جمهوری اسلامی پشت کردند و به این رژیم نه میگویند. مضافا که اعتراضات از این فراتر رفت در خیلی از شهرها مردم دست به تعرض زدند. پوسترهای انتخاباتی را پاره کردند، صندوقها را بهم ریختند، ستادهای انتخاباتی را بر سرشان خراب کردند. از جمله در شهرهای کردستان در نهاوند خیرش را داشتیم در اصفهان در تهران پوسترها خیلی جاها پاره شد. فقط اینطور نبود که مردم در خانه نشستند و صرفا تحریم کردند و یا در انتخابات شرکت نکردند. این بود و بعلاوه تعرض مردم در خیلی از شهرها به انتخابات. همه این معانی در نظر بگیریم می بینید که کابوس جمهوری اسلامی تازه شروع شده است.

سیما بهاری: در هفته های گذشته مساله انتخابات مساله اساسی بود که رژیم با آن درگیر بود. رسانه های مختلف بصورتی مختلف به آن پرداختند و حجم بسیار انبوهی از اخبار به این مساله اختصاص داشت. بالاخره روز گذشته به نظر میآید که این کابوس از سر جمهوری اسلامی گذشت. در این رابطه که آیا این کابوس واقعا گذشته است یا نه، نظر حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران را جویا شد؟

حمید تقوایی: من فکر میکنم کابوس جمهوری اسلامی تازه شروع شده است. این انتخابات اگر چیزی را نشان داد یک حقیقتی بود که مدتهاست بر همه معلوم است منتها این انتخابات کاری کرد که بطور خیلی علنی و صریحی در انظار همه مردم جهان قرار بگیرد و آن هم این واقعیت که رژیم جمهوری اسلامی کفش

صفحه ۲

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری منصور حکمت

صفحه ۶

به دوران تعرض نهایی انقلاب کارگران و مردم ایران بر بنیان جمهوری اسلامی نزدیک میشویم



رحمان حسین زاده
r_hosseinzadeh@yahoo.com

قرار دادن کلیت جمهوری اسلامی و مقامات و عوامل آن، و هفته اعلام پوچی نظام اسلامی و "مضحک" انتخابات آن بود. سران رژیم سراپا دروغ و جعل، این بار هم هر چند

صفحه ۵

مجالی به تبلیغات انتخاباتی ندادند. بنظر شما این روند چه دستاوردهایی برای مردم داشت و چشم انداز آینده را در این کشاکشهای سیاسی چگونه می بینید؟
رحمان حسین زاده: مردم و جنبش سرنگونی گامها جلو آمدند. در سیر رشد پاینده جنبش اعتراضی و انقلابی علیه جمهوری اسلامی، هفتهای که گذشت، هفته سراسری تر شدن اعتراض، هفته برجسته شدن هدف مشترک مردم یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی، هفته موقعیت تعرضی مردم و تحت فشار

انقلاب کارگری: روزهای اخیر مردم بیش از پیش در صحنه سیاست وارد شدند و موضوع آن مضحکه انتخابات مجلس اسلامی بود. تعرض های بسیار زیاد و وسیعی در سراسر کشور به ستادهای انتخاباتی صورت گرفت. در شهرهایی مردم اصلا مجال برپایی این مضحکه انتخاباتی را به رژیم ندادند. اکثر پوسترهای انتخاباتی پاره شدند و تعدادی از نمایندگان کتک خوردند و یا متواری شدند. در شهرهای کردستان عملا این مردم بودند که حرف آخر را زدند و هیچ

دستمزد کارگران باید به اندازه حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد!



سیاوش دانشوار
siavash_d@yahoo.com

اسلافشان تا چه اندازه مشکل میشد. "خبر" و "حقیقت" در قاموس اینها چیزی جز منافع طبقه حاکم به معنی وسیع و طبقاتی آن نیست. در این دنیای رمالی و شعبده بازی مدرن رسانه ای، یا تمام تناقضات و کشمکشهای بلوکهای رقیب، یک امر مشترک و "غیرقابل

صفحه ۴

کارگران و رسانه ها بررسی مورد خاتون آباد

سیاوش دانشوار

و خیل قلم بدستان و ژورنالیستهای مزدبگیر، بعنوان یک دستگاه عظیم مهندسی افکار در کنار نیروهای کلاسیک سرکوب در جامعه بورژوازی علیه کارگران و امر آزادی بشر کار میکنند. تصور کشید در فقدان سرویسهای خبری جهانی یا استودیوهای سوپر دولوکس، کار جناب بوش و بلر و شارون و خاتمی و خامنه ای و پاپ و بن لادن و دیگر

رسانه ها در دنیای امروز یک پایه اصلی حکومتی، یک مستبد و دمکراتیک، یک رکن مهم حاکمیت طبقه بورژوا در کنار دادگاهها و زندانها و ارتش، یک ماشین دروغپردازی و تحمیق توده های میلیونی مردم هستند که وظیفه تاریخی مذاهب را در ابعادی غول آسا بطور روزمره و سیستماتیک سازمان میدهند. رسانه های دنیای امروز، با اتکا به تکنولوژی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی نابود باد جمهوری اسلامی

ادامه

کابوس جمهوری اسلامی تازه شروع شده است

سیما بهاری: جمهوری اسلامی گفته است که حدوداً ۲۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت کردند، این چقدر واقعی است؟

حمید تقوایی: این نشان میدهد که جمهوری اسلامی که شهره آفاق در دروغگویی و غلو کردن اخبار و آمار بنفع خودش است، اینجا ناگزیر میشود از ۳۰ درصد فراتر نیاید. قبلاًش مقامات رژیم اظهار امیدواری کردند که ۵۰ درصد شرکت کنند و امروز که میگویند ۳۰ درصد یعنی دیگر دروغی بزرگتر از این حتی خودشان هم رویشان نمی شود که بگویند. آنقدر آش شور است، آنقدر مساله روشن است که اینها دیگر بیشتر از ۳۰ درصد نتوانند فراتر بروند. ولی همین ۳۰ درصد هم به نظر من چندین برابر عدد واقعی است. فکر کنم خیلی بخوایم ارفاق کنیم به رژیم چیزی زیر ۵ درصد در این انتخابات شرکت کردند. آنهم میدانیم که از عوام و انصار خودشان و بودند. این ۳۰ درصد دروغی است در حالی کاملاً استیصال جمهوری اسلامی، میخواهد به نفع خودش عددی را سرهم کند و آنقدر هم بدبخت و مستاصل شدند که از عدد ۳۰ درصد فراتر نتوانستند بروند.

سیما بهاری: بعضی از جریانات سیاسی مردم را تشویق میکردند که انتخابات را تحریم کنند. حزب کمونیست کارگری تحریم را مطرح نمیکرد و مساله اعتراض را مطرح

کرد. چقدر این مساله پاسخ گرفته شد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم در خیلی از شهرها پاسخ گرفته شد. ما قبل از اینکه دعوی جناحها شروع شود هر نوع انتخاباتی را برسمیت نمی شناختیم. بخاطر اینکه کل مشروعیت این رژیم را برسمیت نمی شناختیم. مردم و اکثریت غریب به اتفاق مردم مدتهاست که کل این نظام را قبول ندارند. تحریم انتخابات تا حدی خودش برسمیت شناختن حکومتی که میخواهد انتخابات را برگزار کند، را مطرح میکند. بگوریم از اینکه خیلی از نیروها خود همین تحریم را هم قبول نداشتند. ولی در هر حال رهنمود ما، خط ما، سیاست ما تعرض به این رژیم بود. در این انتخابات اخیر شعارمان این بود که این انتخابات را برسرشان خراب کنید. و این پاسخ گرفت در شهرهای کردستان وسیعاً پاسخ گرفت. در سنج در بوکان در مهاباد در شهرهایی مثل نهاوند در مناطق مختلفی از اصفهان در تهران اینهم به روز انتخابات محدود نبود. بلکه از مدتها قبل تعرض مردم بخصوص جوانان شهرها با پاره کردن پوستهای انتخاباتی بهم ریختن ستادهای انتخاباتی شروع شد. در بعضی شهرها، شهر را کاملاً به حالت نظامی در آوردند. بخصوص در کردستان با این حال نتوانستند جلوی مردم را بگیرند. و واقعا در جاهایی انتخابات بر سر رژیم خراب شد. در محلاتی از تهران این اتفاق افتاد اینکه چقدر، چه درصدی از جمعیت مردم در

این تعرض شرکت کردند، الان بنظر من مساله تعیین کننده ای نیست. مساله این است که آن بخش پیشرو مردم بخش معترض مردم جوانان و کارگران. در خیلی جاها که اینها نماینده آن خشم فروخورده مردمی هستند. شاید خیلی هاشان در خانه ها نشستند و رای ندادند. اینها دارند آن مردم را نمایندگی میکنند. آن بخش پیشرو و رادیکال و معترض جامعه در این انتخابات فقط در خانه نشستن اکتفا نکرد تعرض کرد. انتخابات را بر سر رژیم خراب کرد و به نظر من به این ترتیب اکثریت قریب به اتفاق جمعیت و مردم ایران را نمایندگی کرد. این اتفاقی که امروز در شهرهای کردستان افتاد این نمونه و الگویی است که بدون شک ما باید منتظر باشیم که گسترش پیدا کند شهرهای وسیعتری را در بگیرد. به نظر من شکست انتخاباتی رژیم شروع تعرض مردم است در سراسر ایران به حکومت و این گام اولش است.

سیما بهاری: شما از شروع تعرض گفتید. بنظر شما چون لیدر حزب کمونیست کارگری مردم باید چکار کنند بعد از این مساله؟

حمید تقوایی: اولین رهنمودی که ما به مردم داریم این است که همبسته و متحد شوند حول خواستهای امروزشان حول مطالباتی که دارند. بخصوص جنبش کارگری باید به میدان بیاید و باید پرچم اتحاد و همبستگی را بلند کند. در اشکال مختلف با اعلامیه دادن با طومار نویسی با صدای خود را بلند کردن حتی خطاب به مردم دنیا افکار عمومی دنیا سازمانهای مترقی دنیا اتحادیه های کارگری دنیا باید حقایق را در ایران فریاد بزنند. باید مطالباتشان را فریاد بزنند و صفوف خودشان را همبسته و متحد کنند. نکته دوم این است که حزب محور و در راس این حرکت قرار بگیرد. باید حزب ما شناخته شود وسیعاً شناخته شود، بعنوان حزبی که واقعا مردم را

زده شود حتی خود رسانه های رژیم به نحوه های مختلف منعکس میکنند. آنجایی که مصاحبه هایی در مورد انتخابات میکردند و همین چند روزه در رسانه های خارجی شاهدش بودیم، مردم به روشنی می گفتند که فرقی بین اینها نیست و ما هیچ فرقی قائل نیستیم بین دو خردادی و اصلاح طلب و غیره اصلاح طلب. حتی تمام نیروهای سیاسی که تا دوره های قبل انتخاباتی پشت این جناح باصطلاح دو خردادی بودند و حتی تا همین انتخابات در هفته های اول انتخابات حمایت میکردند اینها هم تغییر موضع دادند. اینها هم وجه این انتخابات را تأیید نمی کنند و به هیچ کدام از دو جناح و به هیچ نماینده ای رای نمیدهند. مثلاً خانم شیرین عبادی که مشخصاً با پرچم حمایت از خاتمی به میدان آمده بود و اول مجلس ایران را یکی از بازترین و دمکراتیک ترین مجلس ها قلمداد میکرد بالاخره مجبور شد زیر فشار این واقعیات و فشار اعتراضات مردم مجبور شد که او هم انتخابات را تحریم کند. این است که از هر طرف نگاه میکنید می بینید هیچ نیروی سیاسی واقعا غیر از جناح راست خود رژیم در میدان نمانده که هیچ نوع سازشی را، هیچ نوع کنار آمدنی را و هیچ نوع تأیید مشروط و غیره مشروطی را از این انتخابات نمایندگی کند و این بنظر من خیلی روشن این واقعیت را نشان میدهد که هیچ بخشی از جمعیت ایران به هیچ بخشی از این رژیم هیچ نوع توهم و دل بستگی ندارد.

سیما بهاری: با از بین رفتن توهمات از جناحهای مختلف رژیم، چقدر فضا را مناسب می بینید برای فعالیتهایی به نفع اهداف حزب؟

حمید تقوایی: بنظر من آن چیزی که حقایق در ایران نشان میدهد صحت مواضع ماست، مواضع همشگی ماست. اگر رژیم باید جارو شود و کنار

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد از جمهوری اسلامی به ILO شکایت کرد

اعتراض به کشتار کارگران در خاتون آباد

متن شکایت رسمی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد به سازمان جهانی کار در مورد کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد

به آقای خوان سومایا_ دبیر کل دفتر سازمان جهانی کار

ژنو-سوئیس

۱۲ فوریه ۲۰۰۴

آقای سومایای عزیز
موضوع: آزادی تجمع - جمهوری اسلامی ایران
کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی رسماً شکایت خود از ایران را بخاطر نقض اصول آزادی تجمع، حق تشکل و حق قرار داد جمعی تقدیم میکند.

ما از قتل حداقل چهار کارگر و زخمی کردن ۴۰ تن از کارگران توسط پلیس ضد شورش طی یک اعتصاب در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۴ در روستای خاتون آباد و شهر بابک (در استان کرمان در جنوب شرقی ایران) مطلع شده ایم. نام چهارتن از کارگران کشته شده بنا به گزارشها عبارتند از مهدوی، جوادی، معینی، و ریاحی. گزارشهای رسمی تعداد کشته شدگان را بین ۷ تا ۱۵ نفر و تعداد زخمی ها را تا ۳۰۰ نفر اعلام کرده اند.

بنا به اطلاعات ما کارگرانی که به این رویداد مربوط میشوند، ترکیبی از کارگران غیر ماهر، کارگران ساختمانی، و کارگران ماهر استخدامی کارخانه مس نازخاتون در روستای خاتون آباد بوده اند. کارفرمای آنها که یک پیمانکار است که کارخانه ذوب مس را برای کمپانی صنایع ملی مس ساخته است، بنا به گزارش به ۱۵۰۰ تن از کارگران که در ساختن و آماده سازی کارخانه ذوب مس شرکت داشته اند، قول استخدام دائم داده است. اما وقتی ساختن کارخانه تمام شد کارفرما تنها ۲۵۰ تن از کارگران را نگه داشت. به این دلیل کارگران

دست به اعتصاب زدند. کارگران تا روز ۲۴ ژانویه در اعتصاب و تحصن بوده اند. تحصن کارگران تا قبل از درگیریها هشت روز به طول کشیده است. بسیاری از کارگران و خانواده هایشان از جمله بسیاری از زنان سالخورده به این اعتراض پیوستند و جاده اصلی منتهی به کارخانه و در ورودی کارخانه را بند آوردند. آنها خواهان استخدام دائم بودند و به قراردادهای موقت، بیکارسازیها، و دستمزدهای معوقه اعتراض داشتند.

بنا به ارزیابی ما با توجه به ادامه تحصن و اعتراضات، شورای تامین استان، که در آن استاندار کرمان "آقای کریمی" و فرماندار شهر بابک "آقای سیف الله شاهد نژاد" هردو عضو هستند، تصمیم گرفتند نیروهای انتظامی بیشتری را به منطقه بفرستند. با توجه به این نیروهای پلیس مخصوص از شهر کرمان با هلیکوپتر آورده شدند.

گزارشهای متناقضی در مورد اینکه چگونه زد و خورد آغاز شد وجود دارد. بنا به گزارش خبرگزاری رسمی ایران (ایرنا) زدو خورد زمانی آغاز شد که ۳۰۰ موتور سوار شروع به حمله به ساختمانهای دولتی، بانکها، و ساختمانهای دیگر کردند. فرماندار بابک شهر نیز گزارش مشابهی داده است که در مطبوعات ایران از او نقل قول شد. او گفته است که زدو خورد زمانی آغاز شد که یک گروه از موتور سواران که تعداد آنها ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر میرسید از شرایط غیرعادی استفاده کرده و به خانه فرماندار، بانکها، و ساختمانهای خصوصی حمله کردند و این حملات باعث شد که پلیس دست به شلیک بزند. فرماندار گفته است که برخی زخمی ها با باتون پلیس زخمی شده اند. او همچنین ادعا کرد که برخی از آنها توسط اشیایی که توسط خود

کارگران پرتاب شده زخمی شده اند.

روایت دیگری از ماجرا توسط منصور سلیمانی میمندی یک عضو اصلاح طلب پارلمان از شهر بابک داد شده است که گفته است مقامات محلی نیروهای ویژه انتظامی را با هلیکوپتر وارد کردند تا اعتصاب را در هم بشکنند و این نیروهای ویژه به کارگران در روستای خاتون آباد حمله کردند. درگیریها به شهر بابک نیز کشیده شده که در آنجا چهار کارگر کشته شده و دهها تن به شدت زخمی شدند.

آقای منصور سلیمانی این اطلاعات را طی یک نشست مجلس در ۲۵ ژانویه اعلام کرده است که بعداً از رادیوی ایران پخش شد.

گزارشهای سازمانهای کارگری تبعیدی در خارج کشور برداشت منصور سلیمانی میمندی را تایید میکنند. اما گزارشهای این سازمانها حاکی از این است که کارگران در جلوی کارخانه کشته شدند و شروع خشونت در شهر بابک توسط نیروهای پلیس ویژه ای بود که به این شهر اعزام شده بودند.

دبیر کل خانه کارگر در تهران آقای علیرضا محبوب نیز تایید کرد که پلیس طی تحصن به کارگران حمله کرده است. یک اطلاعیه که در تاریخ ۳۰ ژانویه از جانب "کنفدراسیون اتحادیه های آزاد" دریافت شده و متعلق به "خانه کارگر" است به مصاحبه ای اشاره دارد که در آن آقای محبوب گفته است که "خانه کارگر" حمله به کارگران را محکوم میکند و این سازمان یک نامه اعتراضی منتشر کرده است و از قول او گفته شده است که او ریشه مساله را به بکارگیری استفاده از کارگران قراردادی در ایران ربط داده است. این اطلاعیه همچنین میگوید "تشکیلات خانه کارگر" به دادگاه های ایران و

به آی ال او شکایت خواهد کرد. کنفدراسیون اتحادیه های آزادی "آی سی اف تی یو" تاکنون گزارشی از اینکه آیا شکایت صورت گرفته یا نه دریافت نکرده است.

استاندار کرمان آقای کریمی در یک مصاحبه در روز ۲۵ ژانویه با ایلنا که یک خبرگزاری رسمی است و به زبان فارسی در تهران منتشر میشود، تایید کرد که گاردهای ویژه از شهر کرمان وارد شده بودند تا اعتصاب را بشکنند و دسترسی به کارخانه را امکان پذیر کنند.

مقایسه گزارشهای فوق الذکر با گفته های استاندار، کنفدراسیون اتحادیه های آزاد را متقاعد ساخته است که رودرویی هنگامی آغاز شد که پلیس با استفاده از زور میخواست اعتصاب را بشکند. فرمانده نیروهای انتظامی ایران سردار محمد باقر قالی باف بعداً تایید کرد که عامل قتل کارگران شلیک نیروهای انتظامی بوده اسد.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد همچنین مطلع شده است که شماری از زخمی ها در بیمارستان "سرچشمه" و در "بابک شهر" بستری شده اند و برخی از آنها در شرایط وخیمی بسر میبرند.

بعد از درگیریها مردم محل در برابر خانه های کارگران کشته شده جمع شدند و خواهان معرفی و محاکمه مسئولین قتل آنها شدند. اعتراضات و زد و خورد ها در روزهای بعد ادامه پیدا کرد و به دستگیری کارگران و بستگانشان انجامید. بنا به اطلاعیه یکی از سازمانهای

تبعیدی فوق الذکر نیروهای امنیتی به جستجوی خانه به خانه پرداخته اند. سایر سازمانهای کارگری تبعیدی گزارش دادند که تعدادی از دستگیر شدگان شکنجه شده اند.

منابع رسمی دستگیریها را تایید کردند. افسر فرمانده نیروهای انتظامی استان کرمان تیمسار عیسی دارایی افشا کرد که ۸۰ نفر از مردم در این جریان دستگیر شده اند و ۱۵ نفر برای بازجویی در بازداشت نگه داشته شده اند. وضعیت فعلی کارگران دستگیر شده برای کنفدراسیون اتحادیه های آزاد هنگام نوشتن این شکایت نامعلوم است.

مقامات مختلف بنا به گزارشها دستور تحقیقات در این مورد را داده اند. رئیس جمهور محمد خاتمی نیز دستور تحقیقات توسط یک کمیسیون از جانب دفتر ریاست جمهوری را داده است. وزیر کشور نیز بنا به گزارشها نیز دستور تحقیقات در مورد موضوع است و یک هیئت از جانب اداره عمومی استانداری کرمان نیز اعلام کرده است که در حال بررسی موضوع است.

با توجه به جدیت این رویدادها که توسط منابع مختلف مطرح شده که بعضاً متناقض هم هستند - مایلیم از شما آقای دبیر کل بخوام که این نامه را بعنوان شکایت علیه جمهوری اسلامی ایران به کمیته آزادی اجتماعات ارائه دهید.

قبلاً از شما ممنونم
دبیر کل

نشریه انقلاب کارگری از این سایتها قابل دسترسی است

www.rowzane.com

www.kargaran.org

ادامه

کارگران و رسانه ها

بحث "وجود دارد و آن سانسور حقایق، سانسور کارگر و کمونیسم، سانسور جنبش آزادی و رهائی بشر امروز، و عبارات دقیقتر شرکت در سرکوب روزمره آن برای دفاع از منافع و امتیازات اقتصادی و سیاسی طبقه حاکم است.

جنگ رسانه ای

برخورد رسانه ها به اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی در قلب اروپا، به جنبش جهانی ضد جنگ و ضد نظم نوین جهانی بوش و شرکا، به اعتراضات رادیکال در چهارگوشه جهان علیه حکومت‌های مستبد و سرمایه داران مفتخور، و متقابلاً برخورد سمپاتیک آنها و پوشش رسانه ای قوی امثال خاتمی و حجابیان و انواع و اقسام تخم و ترکه های بورژوازی و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، چهره کریه این دستگاه عظیم جعل و دروغپردازی بورژوازی را نشان میدهد. اینها بودند که خمینی را بعنوان "رهبر انقلاب اسلامی" به مردم ایران حقنه کردند. اینها رفسنجانی را "لبیرال" و "میان رو" نام نهادند. اینها شش سال تلاش کردند که دخرداد و خاتمی را به مردم ایران بفروشد. اینها هر قهر و غمزه نوه خمینی و حاج آقا منتظری را زیر نورافکن میگذارند. اما در سانسور تلاش مردم ایران علیه حکومت اوباشان اسلامی، در سانسور و به حاشیه راندن اعتراض هر روزه کارگران برای بقا و نفس نان شب کوچکترین تردیدی به خود راه نمیدهند. رادیوها و رسانه های فارسی زبان که رو به ایران برنامه پخش میکنند، که در اساس سیاست و خط مشی حاکم بر آنها ادامه مشی سیاست خارجی دولتهای متبوعشان است، از نفس واژه کارگر و اعتراض کارگری و

همبستگی کارگری مو بر بدنشان سیخ میشود. رسانه های سانسورچی امروز، یک حزب جهانی اعلام نشده علیه روندهائی است که منافع سیاسی و طبقاتی بورژوازی را زیر سوال میبرد. مورد خاتون آباد و برخورد رسانه ها به این کشتار کارگری و تلاش برای برگرداندن سرها به سوی مضحکه انتخابات مجلس هفتم رژیم اسلامی، باید بعنوان برگ سیاه دیگری برای اینها، در تجارب جنبش طبقه کارگر برای آزادی و سوسیالیسم ثبت شود. جنگ در عرصه میدیا امروز یک جبهه مهم از جنگ طبقاتی و رودروئی کمپ ارتجاع و سرمایه داری علیه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگران است. کشتار کارگران در خاتون آباد و شهر بابک و متعاقب آن نمایش پرشکوه همبستگی کارگری در داخل و خارج ایران و اعتراض کارگری علیه رژیم اسلامی سرمایه داران، از نظر بورژوازی و رسانه هایش نباید جانی در معادلات سیاسی جامعه ایران پیدا کند. برای اینها انعکاس به حرکت درآمدن جلوه های هم سرنوشتی طبقاتی کارگران در متن اوضاع سیاسی متحول ایران و یک جامعه تشنه تغییر سم تلقی میشود. واکنش یکسان و غریزی این کمپ به واقعه خاتون آباد و شهر بابک، منفعت مشترک و ضدکارگری کل بورژوازی را برای کارگران برملا میکند. در جنگ وسیعی که توسط سرمایه و دولتهای سرمایه داری علیه کارگر و جنبش آزادیخواهانه کارگری در جریان است، "حقوق بشر" بورژوازی و شاخه های مختلفش، تا آنجا مجاز و ابزاری برای فشار و مانور سیاسی و دیپلماتیک است که کارگر و صف اعتراض کارگری را به میدان نکشد.

همبستگی کارگری، مروری کوتاه

اینها از نظر رسانه ها و ژورنالیستهای باشرف "خبر" محسوب نمیشوند اما نامه چند دانشجوی حزب الهی در مورد "انتخابات" در صدر اخبار اینها قرار میگیرد!

در ایران:

۱- نامه اعتراضی جمعی از کارگران ایران خودرو ۲- نامه اعتراضی جمعی از کارگران سنگ آهن بافق ۳- نامه و بیانیه جمعی از کارگران خباز سقز ۴- اعتصاب عمومی مردم شهر بابک ۵- نامه مردم شهر بابک به سازمانها و احزاب سیاسی و نهادهای حقوق بشر ۶- بیانیه و اطلاعیه کارگران ساختمانی، کارگران بیگار، کارگران شهرک صنعتی قهرآباد سقز و خبازان ساختمانی، کارگران شهرداری و جوانان در کامیاران ۸- طومار اعتراضی جمعهای از کارگران نساجی کردستان، کارگران خباز، کارگران خیاط، کارگران شاهو، کارگران شهرداری، کارگران راه و ترابری، کارگران کارخانه شیر، کارگران فرش بافی چیمن، گلبافت، شین بافت و نقشین، کارگران فلز کار، جمعی از معلمان سندانج و دانشجویان دانشگاه آزاد ۸- نامه های اعتراضی کارگران کبریت سازی ممتاز تبریز و شرکت صنعتی سالمی تبریز ۹- نامه اعتراضی شمار زیادی از دانشجویان دانشگاه کارکنان بیمارستانها و مراکز درمانی سراسر کشور ۱۱- طومار اعتراضی و مشترک گروههای دیگری از مردم شهرهای سقز، بوکان، مهاباد و دیواندره ۱۲- نامه و بیانیه کارگران بخش ساختمانی و برق صنعتی و بخشی از کارگران تاسیساتی تهران ۱۳- اجتماع شش هزار نفری مردم در پارک آیدر سندانج با پلاکاردهای بزرگ و تقدیم تاج گل به کارگران خاتون آباد و

توزیع هزاران بیانیه و اطلاعیه در اینروز ۱۴- اجتماع گروهائی از مردم و جوانان در بیستون کرمانشاه به یاد جان باختگان خاتون آباد ۱۵- اجتماع کارگران ایران خودرو، فلز کار، ساختمانی همراه با گروههای از جوانان در ارتفاعات توچال تهران به یاد کارگران خاتون آباد ۱۶- قطعنامه جمعی از کارگران ایران ۱۷- نامه اعتراضی جمع هائی از کارگران و کارکنان واحدهای صنعتی تهران، کرج، و قلعه حسن خان. ۱۸- شعار نویسی علیه کشتار کارگری و خواست گسترده محاکمه قاتلین و مسببین شلیک به کارگران.

در خارج کشور:

۱- قطعنامه ۲۳۵ نفر از رهبران جنبش کارگری کانادا در ویکتوریا ۲- نامه اعتراضی اتحادیه ساختمانی، جنگل داری، معدن و انرژی کانبرا در استرالیا به جمهوری اسلامی ۳- نامه اعتراضی فدراسیون کارگران نفت نروژ به خاتمی ۴- شکایت کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد از جمهوری اسلامی به سازمان جهانی کار و نامه همین سازمان به خاتمی ۵- محکومیت رژیم اسلامی توسط سازمان سندیکالیستهای سوئد ۶- قطعنامه مشترک ۵۱ اتحادیه کارگری آمریکا شامل :

۱- اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۳۲) ۲- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶) ۳- اتحادیه کارکنان شهرداری (لوکال ۲۶۲۰) ۴- اتحادیه کارکنان حرفه‌ای و مهندسی ۵- فدراسیون معلمان کالیفرنیا (لوکال ۱۰۲۱) ۶- اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹) ۷- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۵۳۵) ۸- اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰) ۹- فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس

۱۰- اتحادیه کارگران حمل و نقل (لوکال ۵۰۲) ۱۱- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۸۷۷) ۱۲- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸) ۱۳- اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۳۴۷) ۱۴- کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (لس آنجلس) ۱۵- حزب کار (شاخه لس آنجلس) ۱۶- فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱) ۱۷- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۳۴۷) ۱۸- اتحادیه کارکنان شهرداری (لوکال ۸۰۰) ۱۹- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸) ۲۰- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴) ۲۱- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴) ۲۲- اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰) ۲۳- اتحادیه معلمان لس آنجلس ۲۴- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۲۱۰۲) ۲۵- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۳) ۲۶- اتحادیه کارگران حمل و نقل (لوکال ۱۳۱۵) ۲۷- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸) ۲۸- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰) ۲۹- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۴۰۰) ۳۰- اتحادیه زحمتکشان (لوکال ۳۰۰) ۳۱- اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۸) ۳۲- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۵) ۳۳- اتحادیه کارکنان نساجی (لوکال ۲۲۹۷) ۳۴- اتحادیه کارگران نقاشی (لوکال ۹۵) ۳۵- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۵۳۵) ۳۶- اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹) ۳۷- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۰۰۰) ۳۸- اتحادیه کارگران مواد غذایی (۹۹۵) ۳۹- اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲) ۴۰- اتحادیه

صفحه ۵

کارگران جهان متحد شوید!

ادامه

به دوران تعرض نهایی

بخواهند دروغ بیاورند، نمیتوانند شکستی را که در این ماجرا از مردم خورده‌اند، پرده پوشی کنند. جمهوری اسلامی تا این لحظه هیچگاه در مقابل مردم این درجه در موقعیت دفاعی نبوده است. به نظرم هفته گذشته، هفته تشبیت تناسب قوای جدید در میان مردم و جمهوری اسلامی بود. مردم چه با اعتراضاتی که سازمان دادند و دیروز با شرکت نکردن یکپارچه و سراسری عملاً دست در دست هم تصمیم به سرنگونی فوری جمهوری اسلامی در ابعاد سراسری ایران را به جهانیان اعلام کردند. در پایان مضحکه انتخاباتی، در میان صفوف وسیع مردم خوشبینی و امید به پیروزی بر جمهوری اسلامی، روحیه اتحاد و همبستگی، مطالبات رادیکال و حق طلبانه و همگامی با حزب کمونیست کارگری جایگاه مهمی پیدا کرده است. خلاصه کنم، در هفته‌ای که گذشت، ما و مردم برنده و جمهوری اسلامی بازنده بود. این دستاورد و سرمایه بزرگ مردم و جنبش انقلابی برای مراحل بعدی و تعیین کننده کار است.

جریانات و نیروهایی که به "اصلاحات" از درون جمهوری اسلامی چشم امید دوخته بودند، رویدادهای اخیر را عمدتاً از زاویه دست بالا پیدا کردن جناح راست جمهوری

اسلامی بر جناح رقیب توضیح میدهند. میکوشند ناامیدی و پایان کار خود را عوامفریبانه به نام ناامیدی "مردم" توضیح دهند. این تصویر وارونه و پوچ است.

شکی نیست جناح "اصلاحات" جمهوری اسلامی ضربه سختی خورده است. شکی نیست آغاز شکست نهایی جناح "اصلاحات" و کلا پدیده پوچ و پا در هوای "اصلاح طلبی" اسلامی است. و شکی نیست نه تنها جناح "اصلاحات" بلکه جناح راست و کل جمهوری اسلامی هم از این ماجرا تضعیف شدت بیرون آمده‌اند. اما بر خلاف چنین تحلیلهای سطحی تردیدی نیست نیروی پیروز در این معادلات، مردم و جنبش انقلابی و اعتراضی آنها بوده است.

به نظرم با کنار زدن جناح "اصلاحات" جمهوری اسلامی در مقابل مردم بسیار بی حفاظتر و شکنندتر است. جارو و جنجال و سرگرمیهای کشمکش دو جناح به کنار می‌رود و بیش از پیش کشمکش مستقیم مردم و جمهوری اسلامی برجسته می‌شود. من روند اوضاع را به طرف تعرض بیشتر، گسترده‌تر، سازمانیافته‌تر و رادیکالتر مردم علیه جمهوری اسلامی می‌بینم. به نظرم جامعه به طرف عروج انقلابی گسترده برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوق یافته است. به دوران تعرض نهایی انقلاب کارگران، زنان، جوانان و کل مردم ایران بر بنیان جمهوری

اسلامی نزدیک می‌شویم. به علاوه حضور کمونیسم کارگری و تصمیم حزب کمونیست کارگری مبنی بر هدایت و سازماندهی تعرض و انقلاب کارگران و مردم ایران به منظور سرنگونی رژیم اسلامی و گرفتن قدرت تعیین کننده است. این بار میتواند جایگاهی قدرت به نفع طبقه کارگر و مردم آزادیخواه فیصله یابد.

بگذارید به موضوع دیگری که مایه نگرانی خیلی‌ها است اشاره کنم و جهت رویارویی با آن خود را آماده کنیم. این را محتمل میدانم که جمهوری اسلامی بار دیگر شمشیر را از رو ببندد و با کشتار و جنایت وسیع بخواهد جلو تعرض نهایی و قطعی مردم را بگیرد. این اقدام به داد جمهوری اسلامی نمیرسد. طبعاً اثرات محدود و کوتاه مدت چنین حمله ضد مردمی و ضد انقلابی علیه مردم، را قطعاً باید در نظر داشت و برای مقابله و خنثی کردن آن آماده بود. اما با توجه به فضای سیاسی کنونی ایران، با در نظر گرفتن شکل گیری انقلاب مردم و حضور موثر حزب کمونیست کارگری و با توجه به تناقضات بسیاری در پیکره و صفوف جمهوری اسلامی، چنین تقابلی محکوم به شکست است. وقوع چنین شکستی، شکست نهایی رژیم خواهد بود.

ادامه

کارگران و رسانه ها

کارگران مخابرات (لوکال ۹۱۱۹) ۴۱- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۷۷۷) ۴۲- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۳۹۰۹۶) ۴۳- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۸۰) ۴۴- فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۵۴) ۴۵- اتحادیه مهندسی و کارکنان صنعتی (لوکال ۵۳۷) ۴۶- اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۸۱۴) ۴۷- اتحادیه کارکنان ساختمانی (لوکال ۱۷۱۰) ۴۸- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴) ۴۹- اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۱۵۰۶) ۵۰- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۶۸۳) ۵۱- اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۲۴۶).

۷- امضای طومار توسط صدها نفر از فعالین سیاسی خارج کشور.

بجز سه چهار مورد از لیست فوق، این حمایتها و تلاشها نتیجه کمپین حزب کمونیست کارگری در داخل و خارج کشور است. یک نسخه از نامه های حمایتی صادر شده توسط مجامع کارگری در داخل کشور و همینطور قطعنامه های صادر شده توسط اتحادیه های کارگری در اروپا و آمریکا برای حزب

ادامه

مبانی کمونیسم کارگری

اگر شما بحثهای "دوستان مردم کیانند" را خوانده باشید، بحثهای نارودنیکیها شبیه بحثهای آنهاست و وقتی می‌آید در سوسیالیسم خلقی می بینید بحثهای خلقیون ایرانی قبل از انقلاب ۵۷ شبیه آنهاست. دیگری سوسیالیسمی است که مارکس به آن سوسیالیسم حقیقی یا سوسیالیسم آلمانی می‌گوید. مارکس می‌گوید سوسیالیسم انقلابی فرانسه ایده هایش از فرانسه به آلمان رفت ولی خود فرانسه به آلمان نرفت. آن ایده ها رفت آلمان و افتاد دست پروفوسورها. دست فلسفه، دست کسانی که دنبال تجسم

ارسال شده و توسط رسانه های حزب منتشر شده اند. به این موارد باید اجتماعات و تظاهراتهای متعدد در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی و ملاقات با نهادهای کارگری برای جلب حمایت از کارگران خاتون آباد را اضافه کرد. این هم "حقوق بشر" طبقه کارگر است. این گوشه ای از پتانسیل جنبش عظیم سوسیالیستی کارگران است که در اختناق سیاه اسلامی و در فقدان حق تشکل و اعتصاب و آزادیهای سیاسی رخ نشان میدهد. عکس العمل و اقدامات تاکتونی کارگران پیشرو و سوسیالیست در ایران در همین مدت یکماه بعد از واقعه خاتون آباد آینده را ترسیم میکند.

در پس تبلیغات و سانسور بورژوازی و صحنه چرخانی برای مشتاقان آخوند احمق معمم و مکلا، ترس از انقلابی نهفته است که سرخ های آن در مراکز و محیطهای کارگری و حزب کمونیستی طبقه کارگر است. در این میان طبقه کارگر ایران بیش از پیش معنای واقعی و طبقاتی سانسور بورژوازی، چه "وطنی" و چه "خارجی" آن، و همینطور همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیسم کارگری و مکان مهم آنرا در انقلاب و تحولات آتی تجربه میکند.

خرد مطلق میگشتند، داشتند دنبال چهارچوبی برای توجیه عظمت طلبی آلمانی و تقدیس ملت آلمان و باصطلاح قدوسیت و برتری جامعه آلمان میگشتند. دفاع از دولتهای مطلقه پشت این نوع سوسیالیسم نهفته بود. یک نوع سوسیالیسم آلمانی بوجود و غیره نداشت. سوسیالیسم تجسم خرد بود، یک سیستم خردمندانه بود که باید توسط دولت پیاده میشد و این منشا یک نوع سوسیالیسم ارتجاعی از بالاست. مارکس می‌گوید پایه طبقاتی این نوع سوسیالیسم هم خرده بورژوازی است.

ادامه در شماره بعد

تمام اینها نشان دهنده این است که حزب ما دارد نفوذ و محبوبیت اجتماعی اش تبدیل میشود به یک حرکت، به یک جنبش، به یک تعرض و این شمره ۲۵ سال کار پیگیر ماست بعنوان یک نیروی رادیکالی که در هیچ لحظه ای از افشا کردن جمهوری اسلامی و نشان دادن راه به مردم کوتاهی نکردیم و امروز بنظر من شمره این کار کاملاً دارد خودش را نشان میدهد.

این مصاحبه از روی نوار پیاده شده است. مسئولیت اشکالات املائی و یا محتوایی با سردبیر است.

خلاصی از شر جمهوری اسلامی میخواهند باید در مقابل کل این نظام بایستند. روز به روز بیشتر و بیشتر این حقایق روشن شد بخشهای بیشتری از جامعه متوجه رهنمودهای درست حزب شدند و به همین علت است که فرض کنید امروز در اصفهان در حد وسیعی پوسترهای حزب به در و دیوار چسبیده می شود شعارهای حزب گفته میشود به همین دلیل است که می بینید در جنبش دانشجویی شعار آزادی و برابری داده میشود و در جنبش کارگری پیامهای حمایت برای همدیگر داده میشود.

ادامه

کابوس جمهوری اسلامی تازه شروع شده است

بعضی ها بعضی نیروها امروز به اینجا رسیدند که این انتخابات مضحکه است و قابل تأنید نیست، ما از همان دور اول انتخاب آقای خاتمی موضع مان این بود و به مردم می گفتیم که این رژیم سرو ته یک کرباس است با تمام دعوای بین دو جناح هیچکدام از این جناحها هیچ ربطی به منافع مردم ندارند و مردم اگر واقعا آزادی میخواهند رهایی میخواهند زندگی مرفع میخواهند

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 14

21.02.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت یازده

نقد کمونیسم کارگری از
سوسیالیسم واقعا موجود

سوسیالیسمت میگذارند! امپریالیسم در ایران (با اینکه گفتم اوضاع و احوال اجتماعی به نسبت آن موقع اروپا تا ایران خیلی فرق میکند)، سوسیالیسمی است که از موضع اقشار در حال اضمحلال جامعه گذشته مطرح میشود. موضع دهقانان و موضع باصلاح صنعتگرانی که به صفوف پرولتاریا رانده میشوند. مارکس میگوید این نوع سوسیالیسم هم ارتجاعی است هم اتوییک. نگرانی های آن بخش را در خودش دارد، نگرانی های بخش خرده بورژوا را در خودش دارد که از بین میرود. وقتی توصیف مارکس از این گرایش را میخوانید، خیلی روشن تصویری از آل احدها و روشنفکران و پوپولیستهای ضد غربی ایران جلو چشمتان میاید. این نوع سوسیالیسم ضد رشد اقتصادی، ضد تولید وسیع، ضد تکنیک، دلش میخواهد مناسبات قدیمی تولید نگهداشته بشود و در چهارچوب آن فعالیت بشود و غیره. در عین حال این نقد روبه گذشته در قالب سوسیالیستی عرضه میشود و منافع این اقشار در حال اضمحلال منفعت اجتماعی قلمداد میشود و آب و رنگ سوسیالیستی به آن زده میشود. (آن سوسیالیسم ارتجاعی از شخصیت هایش سیسموندی را نام میبرد که

کمونیستی. مارکس اینجا دسته بندی جالبی دارد، هرچند که اوضاع و احوال اجتماعی آنموقع با امروز خیلی فرق دارد، با اینحال من فکر میکنم مانیفست کمونیست به ما و به درک موقعیت امروز ما کمک زیادی میکند. مارکس سوسیالیسم زمان خودش را بغیر از کمونیسمی که خودش از آن حرف میزند سه دسته میکند. این سه دسته عبارتند از اول، سوسیالیسم ارتجاعی. این سوسیالیسم ارتجاعی را بر دو بخش تقسیم میکند: سوسیالیسم فئودالی و سوسیالیسم خرده بورژوازی. سوسیالیسم فئودالی و سوسیالیسم اریستوکراسی و اشرافیتی است که در مقطع عروج بورژوازی با استناد به مشقات کارگران در کارگاهها و غیره، شروع به تخطئه و نقد بورژوازی و جامعه جدید میکند. اعتراض میکند که نظام بورژوازی هیچ اصول و حساب و کتابی بجا نگذاشته، همه را بکار کشیده، فقر ایجاد کرده و غیره، بورژوازی را از موضع نظام منقرض شده سرزنش میکند. این نوع سوسیالیسم رو به عقب، معطوف به گذشته، از موضع طبقات دارای گذشته را حتی همین امروز هم در کشورهای عقب مانده مثل ایران می بینیم. وقتی سرمایه داری دارد توسعه پیدا میکند، هستند کسانی که از موضع دوران قاجاریه، شروع به انتقاد کردن میکنند و اسم خودشان را هم

که کمونیسم کارگری، مارکسیسم است و مانیفست اش داده شده است. در زمان خودش بعنوان نقد سوسیالیسم موجود عروج کرد و در زمان فعلی هم باید بعنوان نقد سوسیالیسم موجود قد علم کند. این دیدگاه میخواهد سوسیالیسم و کمونیسم موجود را دقیقا سر جای خودش قرار بدهد. ولی این کار را فقط وقتی میشود کرد که این نقد واقعا پرچم جنبش اجتماعی ای باشد که میتواند این نقد را بکند. همانطور که زمان مارکس واقعا چنین بود. اینجا فقط این را یادآوری کنم که سوسیالیسم عملا یا واقعا موجود معمولا در ادبیات بخصوص طیف پروروس به سوسیالیسم اردوگاهی میگویند، من در اینجا این را به این معنی بکار نمیبرم. من منظوم هر نوع تحزب و تشکل کمونیستی است که تا این لحظه داریم راجع به آنها حرف میزنیم. منظوم کمونیسمی است که من آنرا غیرکارگری میدانم. بهر حال، مارکس هم سوسیالیسم و کمونیسم خودش و مانیفست کمونیست را در تقابل با سوسیالیستهای دیگری مطرح کرد. شما مانیفست کمونیست را باز بکنید. فصل اولش، بعد از آن شبیح (که قطعاً یک تبیین اجتماعی از شبیح باید داشت)، وارد فصل پرولترها و بورژواها میشود. و بعد آخر کتاب، به سوسیالیسمهای دیگر میرسد. ادبیات سوسیالیستی و

ادعای ما مبنی بر اینکه کمونیسم کارگری یک دستگاه فکری جامع است، یک جهان نگر جامعی است، ادعائی نیست درباره آنچه که من میگویم. صحبت بر سر جامعیت کمونیسم کارگری بعنوان دیدگاه و نقد طبقاتی ای است که مارکس تبیین میکند. این دیدگاه طبقاتی وجود دارد. آنچیزی که وجود ندارد، این است که این دیدگاه طبقاتی آخر قرن بیست حرف بزند. ولی باز تازه نقطه حرکت ما این نیست. نقطه حرکت ما اینست که کمونیسم کارگری به مثابه یک جنبش اجتماعی بهر حال وجود دارد و وقتش شده که این اندیشه و این سیستم فکری جنبش خود را از دست بورژوازی بیرون بکشیم. تا آنجائی که از تاریخ احزاب کمونیستی حرف میزنیم، حزب کمونیستی کارگری به این ترتیب پیدا میشود که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، جنبش اجتماعی طبقه کارگر، پرچم مارکسیسم را بلند کند. از موضع انسانهائی در درون جنبش اجتماعی باید رفت سر این مساله. و پرچم مارکسیسم را نمیشود بلند کرد بدون نقد کمونیسم واقعا موجود. گفتم که کمونیسم کارگری همچین نقدی است بر سوسیالیسم عصر خویش، نقدی است از سوسیالیسم واقعا موجود. آنچه من خواستم اینجا نشان بدهم این است

آزادی برابری حکومت کارگری